

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

حدیث غدیر

استوار و تردیدناپذیر (۲)

۴ دی ۱۳۸۷

۲۵ ذیججه المرام ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

مقدمه

قال الله تبارك وتعالى :

﴿ الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ﴾^(۱).

امروز کافران از (زوال) آیین شما مأیوس شدند، بنابر این از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم .

براساس آنچه تاکنون بیان شد، معلوم گردید که متواتر بودن حدیث غدیر قطعی و خدشه‌ناپذیر می‌باشد، و راویان و محدثین اهل سنت نیز بر متواتر بودن آن اعتراف می‌کنند^(۲). متواتر از نظر علم حدیث خبری است که افراد فراوانی آن

۱ - سوره مائده، آیه ۳.

۲ - برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۷۷ رجوع کنید.

را نقل نمایند به گونه‌ای که امکان اجتماع آنان بر کذب نباشد^(۱). ذهبی از بزرگترین نقّادان علم رجال و حدیث اهل سنت در مورد حدیث شریف غدیر می‌گوید:

«أَتَيْقِنُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ»^(۲).

من یقین دارم که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این حدیث را فرموده است.

بخاری و حدیث غدیر

بخاری که نزد اهل سنت به نام امام المحدثین معروف است، شأن نزول آیه شریف اکمال را روز عرفه می‌داند^(۳). وی همچنین حدیث غدیر را در کتاب صحیح خود نقل نمی‌کند. آیا اعراض او و نقل نکردن این حدیث شریف توسط او و امثال وی، خدشه‌ای به سند و اعتبار این حدیث شریف وارد می‌کند؟ بخاری چون نزول آیه شریف اکمال را در روز عرفه می‌داند، دو راه بیشتر ندارد: ۱ - حدیث غدیر را تکذیب کند، که چنین چیزی محال است. چون خودِ علمای اهل سنت بر متواتر بودن این حدیث شریف اعتراف می‌کنند. ۲ - در برابر این حدیث، سکوت اختیار کند و از نقل آن خودداری نماید.

۱ - اصول الفقه، جلد ۳ صفحه ۷۱ و فرائد الاصول، جلد ۱ صفحه ۲۲۷ و از منابع اهل سنت: المحصول، جلد ۴ صفحه ۲۶۸.

۲ - البدایة والنهایة، جلد ۵ صفحه ۲۳۳.

۳ - صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۲۷، این نظر بخاری در کتاب «اکمال دین در غدیر، حقیقتی انکارناپذیر» از مجموعه گفتارهای حضرت آیت الله یثربی مدظله به نقد کشیده شده و نادرستی آن اثبات گردیده است.

لذا بخاری بهترین راه را، راه فرار و ترک نقل آن دانسته است. و این عمل بخاری هیچ ضرری در اعتبار و اتقان حدیث غدیر وارد نمی‌کند، زیرا چنان که بیان خواهیم کرد، برخی از علمای اهل سنت بر بخاری و کتاب او اشکالات اساسی وارد نموده‌اند.

اشکالات اهل سنت بر احادیث بخاری

کتاب صحیح بخاری دارای شروح زیادی می‌باشد. در سه شرح به نام‌های ارشاد الساری، عمدة القاری و فتح الباری آمده است که بخاری احادیث را کامل نقل نمی‌کند و برخی از آنها را ناقص و گسسته ذکر می‌کند^(۱).

ذهبی در کتاب سیر اعلام النبلاء می‌نویسد:

تعدادی از علمای اهل سنت مانند: ابی زرعۀ رازی، ابی حاتم رازی و ذهلی می‌گویند: نقل نکردن حدیث غدیر توسط بخاری یکی از گناهان بزرگ بخاری است. چرا که او حدیثی را که متواتر و قطعی الصدور است را نقل نکرده است اما در برابر احادیث دروغ و کذب در کتابش یافت می‌شود. ذهبی از دانشمندان معروف علم رجال اهل سنت در دو کتاب رجالی خود به نام‌های المغنی فی الضعفاء و المتروکین^(۲) و میزان الاعتدال^(۳) بخاری را از روایان ضعیف و دروغ‌گو برمی‌شمارد.

۱ - ارشاد الساری تألیف: قسطلانی، جلد ۱۰ صفحه ۳۱۱، عمدة القاری تألیف: العینی، جلد ۲۵ صفحه ۳۵ و فتح الباری تألیف: ابن حجر عسقلانی، جلد ۱۳ صفحه ۲۲۹.
 ۲ - المغنی فی الضعفاء و المتروکین، جلد ۲ صفحه ۵۵۷.
 ۳ - میزان الاعتدال، جلد ۳ صفحه ۴۸۵.

حافظ ابوالخطاب ابن دحیة کلبی پس از نقل روایتی از رسول الله ﷺ

می‌گوید:

«من عادة البخاري في صحيحة أن يورد أحاديث مناقب عليّ [عليه السلام]

ناقصة مبترة وإنَّ السبب في ذلك انحرافه عنه [عليه السلام]»^(۱).

روش بخاری در کتاب صحیح اش این است که احادیث مناقب و فضایل علی [عليه السلام] را ناقص و گسسته نقل می‌کند، به این دلیل که او از علی [عليه السلام] روی‌گردان است.

از آنچه بیان شد معلوم گردید که طبق نقل اهل سنت، حدیث غدیر، فوق حدّ تواتر بوده و هیچ شکی در سند آن نیست. پس تنها راه اهل سنت، برای انکار دلالت حدیث شریف غدیر بر ولایت و خلافت بلافضل امیرالمؤمنین [عليه السلام] تشکیک و نقد بر متن حدیث شریف می‌باشد.

کاوشی در متن حدیث غدیر

رسول الله ﷺ پس از حجّة الوداع و در منطقه غدیر خم، دست

امیرالمؤمنین [عليه السلام] را بالا بردند و فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا: اللَّهُ

وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ مُوَلَّيٌّ وَأَنَا مُوَلَّى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنَا أَوْلَى بِهِمْ

مِنْ أَنْفُسِهِمْ، فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّْ مَوْلَاهُ...»^(۲).

۱- نفحات الازهار، جلد ۱۶ صفحه ۲۳۷ (با اندکی تفاوت).

۲- الغدير، جلد ۱ صفحه ۹ و از منابع اهل سنت: مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۲۸۱ و

ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنین، از خودشان اولی و سزاوارتر است؟ آنان عرض کردند: خدا و رسولش [صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] داناترند، رسول الله ﷺ فرمودند: خدا مولای من است و من مولای مؤمنان هستم و من به مؤمنان از خودشان اولی هستم، هر کس که من مولای او هستم علی [عَلَيْهِ السَّلَام] مولای اوست.

علمای اهل سنت حدیث غدیر و متواتر بودن آن را پذیرفته‌اند، آنان برای گریز از پذیرش ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام تنها یک راه در پیش دارند و آن تشکیک در مفهوم کلمه مولا می‌باشد. شیعیان کلمه مولا را به معنای اولی در تصرّف یعنی همان امامت می‌دانند، ولی اهل سنت این کلمه را به معنای محبت و دوستی می‌دانند.

اشکال ادبی بر حدیث غدیر و پاسخ به آن

اهل سنت برای موجه جلوه دادن اشکال و شبهه خود در مورد کلمه مولى و معنای آن از راه ادبیات وارد شده‌اند. دهلوی که یکی از علمای اهل سنت می‌باشد، در این باره چنین بیان می‌کند: کلمه مولى مصدر میمی است و بر وزن مفعل می‌باشد و در علم ادبیات به اثبات رسیده که مفعل (مصدر میمی) به معنای افعال التفضیل (فعلیل) نمی‌آید. به عبارت دیگر؛ مولى نمی‌تواند به معنای ولی باشد^(۱).

→ مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۰۳.
۱- الغدیر، جلد ۱ صفحه ۳۶۱.

در پاسخ به اشکال فوق نخست به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌نماییم و سپس به نظرات علمای اهل سنت اشاره می‌کنیم. در مقدمه نکته‌ای را بیان می‌کنیم و آن اینکه کلمهٔ مولی در چند آیهٔ قرآن نیز به کار رفته است. برای روشن شدن مفهوم این کلمه در آیات قرآن به اقوال علمای اهل سنت مراجعه می‌کنیم و از آنان سؤال می‌کنیم آیا یک کلمه (مولی) می‌تواند در آیات قرآن به معنای اولی به تصرف و سرپرستی باشد ولی در روایات از آن معنای دیگری (محبت و دوستی) اراده شده باشد؟

آیهٔ اول

خداوند متعال در سورهٔ حدید می‌فرماید:

﴿فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾^(۱).

پس امروز نه از شما فدیة‌ای پذیرفته می‌شود و نه از کافران و جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می‌باشد و چه بد جایگاهی است.

فخر رازی که یکی از بزرگ‌ترین علمای اهل سنت است در ذیل این آیه شریف می‌گوید: در مورد معنای کلمهٔ مولی اقوال مختلفی وجود دارد. یکی از اقوال همچنان که از کلبی هم نقل شده این است که «هي مولکم یعنی اولی بکم».

او مولای شما است یعنی بر شما اولویت دارد.

۱ - سورهٔ حدید، آیه ۱۵.

بعد در ادامه چنین می‌گوید: علاوه بر کلبی علمای علم ادبیات مانند: زجاج، فراء، ابی عبیده، بر این قول اتفاق نظر دارند^(۱).

آنچه که از این اقوال ظاهر گردید این است که کلمهٔ مولی می‌تواند به معنای اولی بیاید و معنای افعال التفضیل از آن اراده شود. بنابر این مناقشه‌ای که دهلوی نقل کرده به هیچ وجه وارد نخواهد بود.

علامهٔ امینی^{رحمته} در همین زمینه نکته‌ای را بیان می‌کند و می‌گوید: بحث در مورد کلمهٔ مولی بحثی لغوی است و لذا باید برای به دست آوردن مفهوم آن به اهل لغت و عرب زبان‌ها مراجعه نمود. علمای اهل لغت و عرب زبانان مانند ابی العباس، فراء، جوهری، فیروزآبادی و... در معنای لغوی (مولی) اشکال و شبهه‌ای وارد نکرده‌اند و کسانی که در معنای آن مناقشه کرده‌اند عرب زبان نیستند مانند دهلوی که اهل پانی پتی است و فخررازی که اهل ایج و از قبایل ترک می‌باشد^(۲).

اکنون روشن می‌شود که مناقشهٔ این افراد از اینجا ناشی می‌شود که معنای کلمه را خوب درک نکرده و نفهمیده‌اند لذا پیروی از قول و نظر این افراد بی‌پایه و اساس می‌باشد.

با تصریح بزرگان اهل ادب، اهل سنت ناچار پذیرفتند که کلمهٔ مولی به معنی اولی می‌باشد اما مناقشه‌ای دیگر را بیان می‌کنند و آن اینکه اولویت در تصرف و سرپرستی نبوده بلکه اولویت در محبت و دوستی می‌باشد.

۱ - تفسیر فخررازی، جلد ۲۹ صفحه ۲۲۸.

۲ - الغدیر، جلد ۱ صفحه ۳۵۷.

آیه دوم

خداوند متعال در سوره حج می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾^(۱).

به خدا تمسک جوئید، که او مولا و سرپرست شماست.

فخررازی در تفسیر این آیه شریف می‌گوید:

«هو مولاکم و سیدکم و المتصرف فیکم»^(۲).

او مولا و آقای شما است و در مورد شما حق تصرف دارد.

مگر می‌شود مولی در آیه قرآن دارای معنایی باشد ولی در روایات آن معنی را

مردود دانست؟!

آیه سوم

خداوند متعال در سوره بقره می‌فرماید:

﴿... أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾^(۳).

تو مولا و سرپرست ما، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز

گردان.

فخررازی در ذیل این آیه شریف می‌گوید:

«تدلّ علی نهایة الخضوع والتذلّ والاعتراف بأنّه سبحانه هو المتولّي

لكلّ نعمة یصلون إليها... وهو المتولّي فی الحقيقة للكلّ»^(۴).

۱ - سوره حج، آیه ۷۸.

۲ - تفسیر فخررازی، جلد ۲۳ صفحه ۷۸.

۳ - سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۴ - تفسیر فخررازی، جلد ۸ صفحه ۱۶۲.

مولی، دلالت دارد بر نهایت فروتنی و سرافکنندگی و اعتراف به اینکه خداوند سبحان سرپرست هر نعمتی است که آنها به آن می‌رسند... در حقیقت خداوند سبحان سرپرست همه می‌باشد.

آیه چهارم

خداوند متعال در سوره نساء می‌فرماید:

﴿... لِكُلِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ﴾^(۱).

برای هر کس، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند.

فخررازی در تفسیر این آیه شریف می‌گوید: موالی یعنی اولیاء تصرف یا همان ورثه^(۲).

نکته‌ای که از ملاحظه تمام این آیات به دست می‌آید این است که کلمه مولی در هر کجای قرآن به کار رفته به معنای اولویت در تصرف و سرپرستی می‌باشد. پس همین معنی باید در روایات لحاظ شود و هیچ فرقی بین آیات و روایات نمی‌باشد.

قرائن دالّ بر اولویت در تصرف

۱ - طبق نقل برخی از راویان به جای کلمه مولی در حدیث غدیر، ولی و اولی به کار رفته است، در نتیجه طبق این نقل باب هرگونه مناقشه و خدشه بسته می‌شود.

۱ - سوره نساء، آیه ۳۳.

۲ - تفسیر فخررازی، جلد ۱۰ صفحه ۸۶.

احمد ابن حنبل در مسند^(۱)، حاکم نیشابوری در مستدرک^(۲)، متقی هندی در کنز العمال^(۳)، نسائی در السنن الكبرى^(۴) و خصایص امیرالمؤمنین علیه السلام^(۵)، ابن کثیر در البداية والنهاية^(۶) و هیثمی در مجمع الزوائد^(۷) همگی چنین نقل کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در رابطه با امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«من كنت وليه فهذا وليه».

هر کس که من ولی [سرپرست] او هستم پس [امیرالمؤمنین علیه السلام] ولی اوست.

طبرانی نیز در کتاب معجم کبیر چنین نقل می‌کند:

«ثم أخذ رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بيد علي علیه السلام فقال: من كنت أولى به من نفسه فعلي علیه السلام وليه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»^(۸).

سپس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند: هر کس من اولی از او بر خودش هستم پس علی علیه السلام ولی اوست، خداوندا! دوست بدار دوست‌دار او را و دشمن بدار دشمن او را. طبق این قراین، کلمه مولى و ولی هر دو به معنای اولی در تصرف می‌باشد.

- ۱- مسند احمد، جلد ۵ صفحه ۳۵۰.
- ۲- مستدرک حاکم، جلد ۲ صفحه ۱۳۰.
- ۳- کنز العمال، جلد ۱۳ صفحه ۱۰۴.
- ۴- السنن الكبرى، جلد ۵ صفحه ۴۵.
- ۵- خصایص امیرالمؤمنین، صفحه ۹۳.
- ۶- البداية والنهاية، جلد ۵ صفحه ۲۲۸.
- ۷- مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۱۰۷.
- ۸- المعجم الكبير، جلد ۵ صفحه ۱۶۷.

۲- قرینه دوم، قرینه زمانی و مکانی می‌باشد. بنابر حدیث شریف غدیر، گرما آن‌چنان شدید بود که مردم قسمتی از لباس خود را روی سر و قسمتی را زیر پای خود نهاده بودند. آیا عاقلانه است که بگوییم پیامبر ﷺ به مردم در چنین شرایطی و پس از مراجعت از سفر خسته کننده حج دستور توقف دهند تا تنها بیان کنند داماد و پسر عموی من را دوست بدارید؟!

۳- در صدر روایت، پیامبر ﷺ از مردم اعتراف می‌گیرند،
«ألست أولى بكم من أنفسكم؟».

آیا من از شما به خودتان اولی نیستم؟

هیچ لغت شناس و عرب زبانی ادعا نمی‌کند اولی در این فراز به معنای محبت و دوستی می‌باشد بلکه قطعاً و یقیناً به معنای اولی به تصرف و سرپرستی می‌باشد. طبق وحدت سیاق همین جایگاه و مقام (سرپرستی) برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز ثابت می‌باشد.

به خاطر وضوح همین معنی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از احتجاجات خود به این فقره تمسک می‌جویند. امیرالمؤمنین علیه السلام به منکرین ولایت خود چنین می‌گویند: آیا پیامبر ﷺ از شما اقرار و اعتراف به ولایت من نگرفتند؟ شخصی عرض کرد: اقرار و اعتراف ما برای محبت و دوستی شما بود نه ولایت، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا فراموش کرده‌ای که سلمان سؤال کرد:

«ولاء كماذا؟ فقال ﷺ: ولاء كولائي من كنت أولى به من نفسه فعلي أولى به من نفسه»^(۱).

۱- الغدير، جلد ۱ صفحه ۱۶۵ و تفسیر نور الثقلین، جلد ۱ صفحه ۶۴۵ و از منابع اهل

چگونه ولایتی؟ پیامبر ﷺ در پاسخ فرمودند: ولایتی همانند ولایت من، هر کس که من بر او از خودش اولی هستم پس علی [علیه السلام] نیز از او بر خودش اولی است.

۴ - وحدت سیاقی که در روایت وجود دارد دلیل بر امامت امیرالمؤمنین [علیه السلام] می باشد. پیامبر ﷺ پس بعد از حمد و ثنای خداوند از مردم بر سه امر اعتراف می گیرند، ۱ - توحید ۲ - نبوت ۳ - معاد. این سه امر از اصول دین می باشد و جزء واجبات است. اگر منظور از مولی، محبت و دوستی باشد نباید هم ردیف امور واجب قرار گیرد، حال که مولی در کنار سه اصل از اصول قرار گرفته است، در می یابیم که منظور از کلمه مولی، محبت و دوستی نمی باشد، بلکه منظور امامت و خلافت است که از اصول دین به شمار می رود.

۵ - قرینه دیگر، آیه ای است که در مورد این واقعه نازل شد؛

﴿الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^(۱).

امروز کافران از (زوال) آیین شما مأیوس شدند، بنابر این از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید! امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم.

آیا تنها دوستی و محبت امیرالمؤمنین [علیه السلام] موجب اکمال دین و اتمام نعمت

→ سنت: ینابیع المودة، جلد ۱ صفحه ۱۳۵.

۱ - سوره مائده، آیه ۳.

می‌گردد یا امری بالاتر از دوستی و محبت یعنی به عهده‌گیری زمام امور جامعه و ولایت بر مردم؟

پیامبر ﷺ با توجه به علم لدنی و وحیانی که در اختیار داشتند می‌دانستند ولایت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام مورد انکار عده‌ای قرار می‌گیرد لذا دست به دعا برداشته و فرمودند:

«اللهم وال من والاه...».

خداوندا! دوست بدار دوست دار او را...

و در ادامه هم به مردم دستور می‌دهد:

«ألا فليبلغ الشاهد الغائب».

حاضران، غائبان را آگاه سازند.

۶- یکی از علمای اهل سنت به نام ابو سعید خرقوشی نیشابوری در کتاب شرف المصطفی روایت زیر را نقل می‌کند: وقتی پیامبر ﷺ امر ابلاغ ولایت را به اتمام رساندند به مردم فرمودند:

«هتُّوني هتُّوني إنَّ الله تعالى خصني بالنِّبوة وخصَّ أهل بيتي

بالإمامة، فلقى عمر ابن الخطاب أميرالمؤمنين علیه السلام فقال: طوبى لك

يا أباالحسن علیه السلام أصبحت مولاي و مولى كل مؤمن ومؤمنة»^(۱).

به من تبریک بگوئید، به من تبریک بگوئید، به درستی که خداوند

متعال مرا به نبوت و اهل بیتم به امامت اختصاص داد، عمر بن

۱- بحار الأنوار، جلد ۳۷ صفحه ۱۵۹ و الغدير، جلد ۱ صفحه ۲۷۴ و از منابع اهل سنت: الملل و النحل، جلد ۱ صفحه ۱۶۳.

خطاب ، امیرالمؤمنین [علیه السلام] را دید و عرض کرد: خوش به سعادتت ای ابوالحسن [علیه السلام]، هم اکنون تو مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی هستی .

اهل سنت ادعا می‌کنند که شیعیان به علت عدم آگاهی، معنای مولی را اولویت در تصرف می‌دانند در حالی که معنی و مفهوم آن محبت و دوستی است. سؤال ما این است: آیا خلیفه دوم که به مناسبت امامت و خلافت به امیرالمؤمنین [علیه السلام] تبریک می‌گوید به معنا و مفهوم کلمه مولی آگاهی کافی نداشت؟ و آیا او در اینجا مرتکب اشتباه شد؟ طبق نقل برخی از روایات، مسلمانان تا سه روز در غدیر خم ماندند و با علی ابن ابی طالب [علیه السلام] بیعت نمودند^(۱). آیا این بیعت به خاطر محبت و دوستی با امیرالمؤمنین [علیه السلام] بود یا به خاطر امامت و پیشوایی ایشان؟

۷- در سخنان گذشته داستان حارث بن نعمان را نقل نمودیم. وی نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله ﷺ هر دستوری فرمودی ما آن را پذیرفتیم ولی پذیرش خلافت امیرالمؤمنین [علیه السلام] پس از شما برای ما سخت است و سرانجام درخواست عذاب کرد و عذاب هم بر او نازل شد^(۲).

آیا این محبت و دوستی امیرالمؤمنین [علیه السلام] بود که برای این شخص و دیگر اشخاص گران تمام می‌شد؟ مگر دوستی و محبت شخصی چه ضرری برای

۱- الغدیر، جلد ۱ صفحه ۲۷۰ و الاحتجاج، جلد ۱ صفحه ۸۴.

۲- بحار الأنوار، جلد ۳۷ صفحه ۱۳۶ و از منابع اهل سنت: تفسیر الثعلبی، جلد ۱۰ صفحه ۳۵ و نظم درر السمطین، صفحه ۹۳.

دیگران به همراه دارد؟ در نتیجه مسأله‌ای بالاتر از دوستی و محبت بوده تا جایی که شخص به خاطر این مسأله - که خود به آن تصریح نموده بود - درخواست نزول عذاب الهی می‌کند.

۸- این قرینه، قرینه عرفی و مردمی است. شخصی که ساعات آخر عمر خود را می‌گذراند، آیا آخرین و مهمترین وصیتی که برای اولاد و بستگان خود دارد در محبت و دوستی است یا مهمترین مسأله برای او سرپرستی و نظم و انضباط در امور خانواده می‌باشد؟ اگر این شخص تمام اولاد و بستگان خود را از شرق و غرب عالم، از اروپا، آمریکا و ... جمع کند و به آنها سفارش کند که فلان شخص را دوست بدارید، آیا دیگران این عمل او را نوعی دیوانگی و جنون قلمداد نمی‌کنند؟

این عمل نسبتی است که هیچ کدام از انسان‌ها حاضر نمی‌شوند به پدر یا مادر خود نسبت دهند پس چگونه افرادی از روی هواهای نفسانی حاضر می‌شوند این گونه عمل جنون‌آمیز را (العیاذ بالله) به بهترین خلق خدا، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت دهند؟

این‌گونه سخنان نوعی اتهام نسبت به رسول خدایی است که خداوند در مورد ایشان می‌فرماید:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ
الْقُوَىٰ﴾ (۱).

هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید * آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که براو نازل شده نیست * آن کس که قدرت عظیمی دارد [جبرئیل امین] او را تعلیم داده است .

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ * وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾^(۱).

که این قرآن گفتار رسول بزرگواری است * و گفته شاعری نیست ، اما کمتر ایمان می‌آورید * و نه گفته کاهنی ، هر چند کمتر متذکر می‌شوید .

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ * وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾^(۲).

که این (قرآن) کلام فرستاده بزرگواری است [جبرئیل امین] * که صاحب قدرت است و نزد (خداوند) صاحب عرش ، مقام والایی دارد * در آسمانها مورد اطاعت (فرشتگان) و امین است * و مصاحب شما [پیامبر ﷺ] دیوانه نیست .

۹ - وقتی علمای یهود از ماجرای روز غدیر آگاه شدند گفتند: آیه‌ای بر شما نازل شد که اگر بر ما نازل می‌شد آن روز و آن ساعت را تا زمانی که دو مسیحی روی زمین باشند جشن می‌گرفتیم^(۳) .

۱ - سوره الحاقه ، آیات ۴۲ - ۴۰ .

۲ - سوره تکویر ، آیات ۲۲ - ۱۹ .

۳ - از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۲۷ والدر المنثور، جلد ۲ صفحه ۴۵۷ .

ادعای یهودیان دلالت دارد بر اینکه در روز غدیر اتفاق مهمی روی داده است که شایسته جشن گرفتن می‌باشد، و روشن است که این اتفاق تنها بیان دوستی و محبت امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌باشد، بلکه بیان خلافت و امامت ایشان علیه السلام می‌باشد. اما اهل سنت، به شیعیان ایراد می‌گیرند که چرا همه ساله در روز غدیر مجالس جشن و سرور برپا می‌کنند.

نکاتی در مورد ماه محرم

ماه محرم و ماه عزاداری بر سید الشهداء علیه السلام نزدیک است فضای شهر و کشور فضای محرم و حسینی شده است. در روایاتی آمده است که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: وقتی ماه محرم می‌شد، کسی پدرم موسی بن جعفر علیه السلام را خندان نمی‌دید و در طول ماه محرم خنده بر لبانشان نقش نمی‌بست^(۱).
 عبدالله بن سنان می‌گوید: روز عاشورا بر امام صادق علیه السلام وارد شدم:
 «فألقيته كاسف اللون، ظاهر الحزن ودموعه تنحدر من عينيه؛
 ایشان علیه السلام را دیدم که رنگشان پریده بود و ناراحتی در چهره شان
 نمایان بود و اشکشان از چشمانشان جاری می‌شد.
 عرض کردم:

مَمَّ بَكَوْكَ؟ لَا أَبْكِى اللهُ عَيْنِيكَ؛

گریه شما از چیست؟ خداوند شما را گریان نکند.

امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند:

۱ - امالی صدوق علیه السلام، صفحه ۱۹۱ و بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۲۸۴.

أما علمت أنّ الحسين بن عليّ [عليه السلام] أُصيب في مثل هذا اليوم؟^(۱).
 آیا نمی‌دانی در این روز حسین بن علی [علیه السلام] به شهادت
 رسیدند؟

اظهار حزن و اندوه در سوگواری سید الشهداء [علیه السلام]، ادامه راه اولیا و اهل
 بیت [علیهم السلام] می‌باشد و درسی است که از آنان آموخته‌ایم. عده‌ای جاه طلب و پیرو
 هواهای نفسانی، فعالیت وسیعی را آغاز کرده‌اند که قیام عاشورا و محرم را کم
 رنگ جلوه دهند - مانند رفتاری که با غدیر داشتند - و آن را در اذهان مسلمانان،
 کم رنگ جلوه دادند. هدف آنها این است که ولایت اهل بیت [علیهم السلام] را که مرهون
 خون سید الشهداء [علیه السلام] است، از دست ما خارج کنند.

توصیه‌هایی به هیئات مذهبی

- ۱ - مداحان و ذاکرین اهل بیت [علیهم السلام] به نقل مطالب صحیح بپردازند. ارزش و اعتبار مجالس ابی عبدالله [علیه السلام] را با شعرهای بی محتوا و پوچ، از بین نبرند. لحن بیان اشعار هم مناسب با مجالس لهو و لعب و طرب نباشد بلکه با لحنی اسلامی و حزین باشد.
- ۲ - در مراسم و مجالس از وجود سخنرانان و وعاظ محترم بهره بگیرید. و دو معیار را در سخنران مد نظر قرار دهید؛ ۱ - فضیلت علمی؛ ۲ - خلوص و سلامت نفس.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱ - مصباح المتهدّد، صفحه ۷۸۲ و بحار الأنوار، جلد ۴۵ صفحه ۶۳.

خودآزمایی

- ① ذهبی کیست؟ و در مورد حدیث غدیر چه نظری دارد؟
- ② بخاری در مورد نزول آیه اکمال چه نظری دارد و آیا وی حدیث غدیر را در کتاب خود نقل کرده است؟
- ③ شارحان کتاب صحیح بخاری در مورد این کتاب و احادیث آن چه نظری دارند؟
- ④ ذهبی در مورد بخاری چه می‌گوید؟
- ⑤ ابن دحیة کلبی در مورد روش بخاری در مورد نقل احادیث مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام چه می‌گوید؟
- ⑥ دهلوی در مورد واژه مولی در حدیث غدیر چه اشکالی وارد می‌کند؟ آن را نقد کنید.
- ⑦ در آیات قرآن کریم واژه مولی به چه معنا ذکر شده است؟
- ⑧ فخررازی و دیگر ادیبان عرب زبان در مورد واژه مولی در آیات قرآن کریم چه نظری دارند؟
- ⑨ قرائنی که دلالت می‌کند واژه مولی در حدیث غدیر به معنای اولویت در تصرف و سرپرستی می‌باشد را نقل کنید.
- ⑩ براساس قرینه وحدت سیاق ثابت کنید که مولی در حدیث غدیر از اصول دین و به معنای خلافت است.
- ⑪ امام صادق و امام موسی بن جعفر علیهما السلام در روز عاشورا چه حالاتی داشتند.
- ⑫ هیئات مذهبی در مورد مجالس عزاداری بر سید شهدا علیهم السلام باید چه نکاتی را رعایت نمایند؟

به سوی معرفت ۷۸

۲۶

وحدت سیاقی که در روایت وجود دارد دلیل بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس بعد از حمد و ثنای خداوند از مردم بر سه امر اعتراف می گیرند، ۱- توحید ۲- نبوت ۳- معاد. این سه امر از اصول دین می باشد و جزء واجبات است. اگر منظور از مولی، محبت و دوستی باشد نباید هم ردیف امور واجب قرار گیرد، حال که مولی در کنار سه اصل از اصول قرار گرفته است، در می یابیم که منظور از کلمه مولی، محبت و دوستی نمی باشد، بلکه منظور امامت و خلافت است که از اصول دین به شمار می رود. (صفحه ۱۴ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت : ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه
تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳
پست الکترونیک : info@yasrebi.ir
www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۷۸

۲۵